

بسم الله الرحمن الرحيم

جزوه حقوق مدنی ۳

(بخش چهارم)

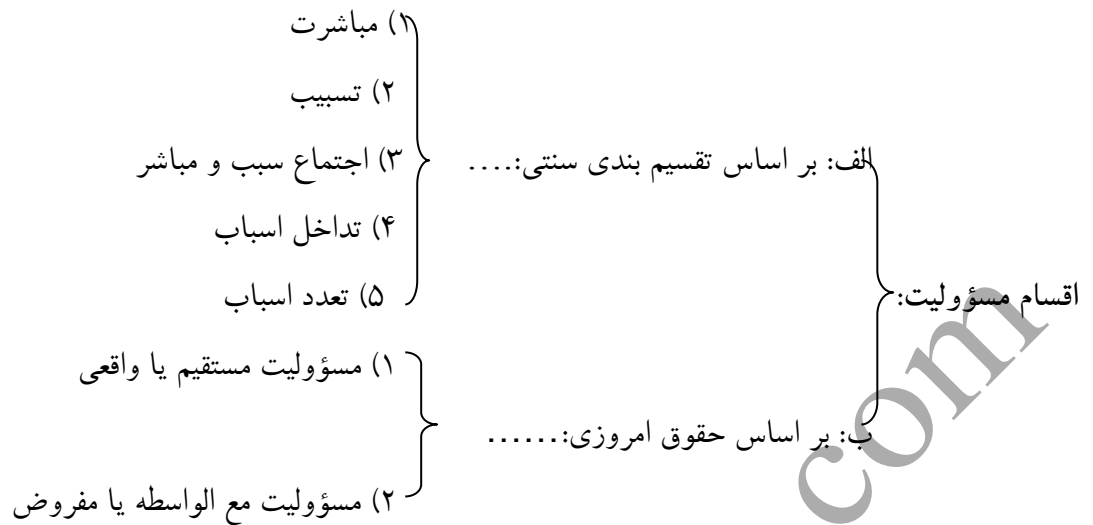
دوره کارشناسی فقه و حقوق

استاد: آیت الله حبیبی تبار

تهیه و تنظیم: عبدالله زکی

پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی

www.feqhvaqaza.com



مسؤولیت مستقیم یا واقعی عبارتست از: مسؤولیتی که از فعل خود شخص ناشی شده است، لذا این نوع مسؤولیت هم شامل اتلاف می شود و هم شامل تسبیب، زیرا مسؤولیتی که بر اثر اتلاف یا تسبیب بر عهده شخص آمده است ناشی از فعل خود همان شخص می باشد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که تمام مسؤولیت های که بر اساس تقسیم بندی سنتی مورد بحث قرار می گیرد، همه از نوع مسؤولیت واقعی می باشد.

مانند: مسؤولیتی که شخص «غار» نسبت به «مغرور» دارد و نیز مسؤولیتی شخص «مکره» نسبت به «مکره» دارد از نوع مسؤولیت واقعی و مستقیم می باشد.

مسؤولیت مع الواسطه یا مسؤولیت غیر مستقیم یا مسؤولیت مفروض عبارتست از اینکه: شخصی خسارتی را وارد می کند اما مسؤول جبران این خسارت شخص دیگر می باشد. به عبارت دیگر انسان مسؤول جبران خسارتی است که خودش آن خسارت را وارد نکرده است.

حالا که خودش آن خسارت را وارد نکرده است دو حالت دارد:

(۱) گاهی این مسؤولیت ناشی از مالکیت و تصرف است.

(۲) گاهی این مسؤولیت ناشی از فعل غیر است: یعنی شخص دیگری این خسارت را وارد کرده اما جبران این خسارت به عهده شخص دیگر است. مانند: ضرری که صغار و مجانین به دیگران وارد می کند. که ضرر را صغار و مجانین وارد کرده اما مسؤولیت جبران آن خسارت، به عهده کسی دیگر است.

انواع مسؤولیت مفروض:

(۱) مسؤولیت تضامنی ایادی متعاقبه بر غصب (۲) مسؤولیت کارفرما نسبت به خسارات که کارگر او ناشی از کار ایجاد می کند. (۳) مسؤولیت مدیریت و حفاظت از صغار و مجانین (۴) مسؤولیت دولت و شهرداری ها نسبت به عملکرد کارکنان خود، (۵) مسؤولیت متصدیان حمل و نقل.

سؤال: چرا در دانش حقوق مسؤولیت مفروض به وجود آمده است؟ مگر نه اینست که «ولا تزر وازرة وزر اخرى» چرا با اینکه کسی دیگری این خسارت را وارد کرده اما جبران این خسارت به عهده ی دیگری است؟ پاسخ: به دو علت مسؤولیت مفروض به وجود آمده است:

(۱) هر شخصی موظف است که عملکرد کسانی را که تحت هدایت و نظارت او مشغول به کاری هستند و یا قانونا به او سپرده شده اند، مواظبت کند و مرتبا نظارت و بازرسی داشته باشد و در این مورد اهمال نکند.

(۲) قانونگذار می خواهد ضرر متضرر، به هر نحوی که شده جبران گردد، لذا چنانچه زیانکار مباشر، معسر باشد، باز هم امکان استیفاء حق متضرر فراهم آید. بنابراین این دو علت، سبب شده است که مقنن مسؤولیت مفروض را به وجود آورد.

گفتیم که یکی از نمونه های مسؤولیت مفروض، «مسؤولیت تضامنی آیادی متعاقبه ی بر غصب» می باشد.

سؤال: چرا مسؤولیت «آیادی متعاقبه ی بر غصب» از نوع مسؤولیت مفروض می باشد؟

پاسخ: زیرا عمل غصب را شخص غاصب انجام داده است، (و مسؤولیت شخص غاصب نسبت به مالک اصلی از نوع مسؤولیت مستقیم است) اما اگر غاصب این مال غصبی را به نفر دیگر منتقل کند و او نیز به نفر دیگر و او نیز به نفر دیگر، با دست به دست شدن این مال غصبی، آیادی متعاقبه ی بر غصب به وجود می آید، حالا ممکن است که آن نفر اولی که غاصب مال غصبی را به او منتقل کرده است اصلا مطلع نباشد که این مال، غصبی است یا افراد بعدی که مال غصبی به دست آنها رسیده ممکن است از غصبی بودن آن اطلاعی نداشته باشند اما می بینیم که آیادی متعاقبه نیز نسبت به مالک اصلی مسؤولیت دارند. به این معنی که مالک اصلی می تواند به هر یک از آیادی متعاقبه مراجعه نموده و مالش را از او مطالبه نماید. لذا می بینیم که عمل غصب را شخص غاصب انجام داده است اما مسؤول جبران آن، آیادی متعاقب می باشد.

بنابراین مسؤولیت «آیادی متعاقبه بر غصب» نسبت به مالک اصلی از نوع «مسؤولیت مفروض» است زیرا آیادی متعاقبه عمل غصب را انجام نداده اند بلکه عمل غصب را شخص غاصب انجام داده اند. و بلکه «آیادی متعاقبه» اصلا اطلاعی از غصبی بودن مال نداشتند. لذا می بینیم که آیادی متعاقبه مسؤولیت دارند که خسارتی را جبران کنند که خودشان آن خسارت را وارد نکرده اند زیرا این خسارت را شخص غاصب وارد کرده است، لذا نتیجه می گیریم که مسؤولیت «آیادی متعاقبه ی بر غصب» از نوع مسؤولیت مفروض است، هرچند که «مسؤولیت خود غاصب» نسبت به مالک اصلی از نوع «مسؤولیت مستقیم» می باشد.

در ماده ۳۱۷ قانون مدنی آمده است: «مالک می تواند عین و در صورت تلف شدن عین، مثل یا قیمت تمام، یا قسمتی از مال مغضوب را از غاصب اولی (منظور مسؤولیت مستقیم است) یا از هر یک از غاصبین بعدی که بخواهد

مطالبه کند (این مسؤولیت آیدای متعاقبه است و مسؤولیت آیدای متعاقبه از نوع مسؤولیت مفروض و مع الواسطه است)».

در باب غصب دو نوع رابطه مورد بحث قرار می گیرد:

۱ - رابطه ی مالک اصلی با غاصب و آیدای متعاقبه ی بر غصب؛

۲ - رابطه خود آیدای متعاقبه ی بر غصب با یکدیگر.

رابطه ی مالک اصلی با غاصب و آیدای متعاقبه ی بر غصب:

رابطه ی مالک اصلی با آیدای متعاقبه ی بر غصب، رابطه ای تضامنی است؛ به این معنی که مالک اصلی حق رجوع به هر یک از آنها را دارد و می تواند مالش را از هر یک از آنان که بخواهد، پس بگیرد.

سؤال: اگر مالک اصلی مالش را از «آیدای وسطی» بگیرد تکلیف چیست؟

پاسخ: استرداد و پس گرفتن مال غصبی به دو نحو ممکن است:

الف) گاهی عین مال غصبی موجود است: در این فرض چنانچه عین مال غصبی در دست شخص غاصب باشد، مالک اصلی به خود غاصب باید مراجعه کند.

اما اگر مال غصبی در دست آیدای متعاقبه باشد، مالک اصلی می تواند به همان یدی که مال غصبی در دست اوست، مراجعه نماید.

و چنانچه مال غصبی در دست یدی باشد که مراجعه ی مالک اصلی به او مشکل است در این صورت مالک اصلی می تواند به یدی که اسهل است مراجعه نموده و از او بخواهد که عین مالش را بیاورد. مثلاً عین مال در دست ید چهارم است و ید چهارم در خارج از کشور است اما ید سوم در داخل کشور است اینجا مالک اصلی می تواند به ید سوم مراجعه نموده و از او بخواهد که عین مالش را از ید چهارم استرداد نماید.

ب) اما گاهی عین مال غصبی، تلف شده است: مثلاً مال غصبی، فرش بوده و سوخته، این فرض چند صورت دارد:

۱ - گاهی مال در دست خود غاصب تلف شده است بدون اینکه به فرد دیگری منتقل شده باشد. در این صورت مالک اصلی به خود غاصب مراجعه می کند.

۲ - اما اگر غاصب این مال را به فرد دیگر منتقل کرده باشد و او نیز به فرد دیگر و او نیز به فرد دیگری اگر آیدای متعاقبه در کار باشد این فرض نیز دو صورت دارد:

یک: گاهی مالک به یدی مراجعه می کند که مال غصبی در دست خود همان ید، تلف شده است. در این صورت قیمت مال غصبی را او می گیرد.

دو: گاهی مالک به یدی مراجعه می کند که مال غصبی در نزد او تلف نشده یعنی مثلاً آیدای متعاقبه ۶ نفر بودند و مال در نزد نفر ششم تلف شده اما مالک به نفر پنجم مراجعه می کند. در این صورت نیز مالک می تواند قیمت مالش را از او بگیرد هرچند که مال در نزد او تلف نشده بود.

روابط آیدای غصب با یکدیگر:

۱ - گاهی عین موجود است:

س: اگر چنانچه عین مال، باقی باشد، و مالک نیز عین مال را از یدی بگیرد که عین مال در دست او بوده آیا او می تواند به ید قبل از خود مراجعه نموده و ثمنی را که به او پرداخت کرده بود پس بگیرد یا خیر؟

ج: این فرض دو صورت دارد:

۱ - یا آن ید عالم به غصب است؛

۲ - یا جاهل به غصب؛

بعضی گفته اند اگر عالم به غصب باشد حق رجوع به ید قبلی را ندارد و نمی تواند ثمنی را که به او داده بود پس بگیرد. اما بعضی گفته اند که اگر جاهل به غصب باشد می تواند به ید قبلی مراجعه نموده و از او ثمنش را پس بگیرد.

۲ - گاهی عین مال تلف شده است. این دو صورت دارد:

۱ - یا گاهی مالک به همان یدی مراجعه می کند که عین مال در دست او تلف شده است:

س: اگر مالک به یدی مراجعه کند که مال در دست او تلف شده است آیا این ید می تواند آن مبلغی را که به مالک اصلی به عنوان قیمت ثمن پرداخت کرده بود از ید قبلی بگیرد یا خیر؟

ج: اگر مالک، قیمت مالش را از کسی مطالبه کند که مال در دست او تلف شده است.

در این فرض این ید فقط حق دارد که ثمن المسمی را از ید قبلی بگیرد اما اگر مازاد بر ثمن المسمی، خسارتی را نیز به مالک اصلی پرداخت کرده باشد حق ندارد این خسارت را از ید قبلی مطالبه نماید.

توضیح: ما یک خسارت داریم و یک ثمن المسمی.

خسارت یعنی امر زائد بر ثمن المسمی. مثلاً این ید، مال غصبی را از ید قبلی به ۵۰ هزار تومان خریده بود در حال که قیمت واقعی آن، یک میلیون تومان بوده است. حال اگر این مال، در دست همین ید تلف شود و مالک هم یک میلیون تومان را از همین ید به عنوان قیمت مال بگیرد، این ۹۵۰ هزار تومان زائدی که این ید به مالک اصلی داده نمی تواند آن را از ید قبلی پس بگیرد. پس مال در دست هر یدی که تلف شود و مالک هم به همان ید مراجعه نماید و خسارتش را از او بگیرد این ید نمی تواند آن خسارت را از ید قبلی مطالبه بکند.

ثمن المسمی: یعنی همان میزان ثمنی که این ید مال غضبی را از ید قبلی خریده بود، حال این ید فقط حق مطالبه ثمن المسمی را از ید قبلی دارد یعنی مبلغ ثمنی که به ید قبلی داده بود می تواند همان مبلغ را از او پس بگیرد اما مازاد بر ثمن المسمی، هر مقدار که خسارت داده باشد حق مطالبه این خسارت را از ید قبلی ندارد.

۲ - گاهی مالک به یدی مراجعه می کند که مال در دست او تلف نشده است:

اما اگر مالک به یدی مراجعه کند که مال در دست او تلف نشده است و خسارت مالش را از او اگر گرفت، در این صورت این ید می تواند یا به یدی مراجعه کند که مال در نزد او تلف شده است هر چند که آن ید، یدی متاخره باشد. و نیز می تواند به ید قبل از خود مراجعه کند.^۱ اما حق ندارد به ید متاخر از خود که مال در دست او تلف نشده حق مراجعه کند.

اما اینکه می تواند به یدی مراجعه کند که مال در دست او تلف شده است، به خاطر تسبیب است یعنی این ید خسارتی را پرداخته است که آن خسارت را شخص دیگر وارد کرده بود.

اما اینکه می تواند به ید متقدمه مراجعه کند این نیز از باب تسبیب است زیرا او بود که مال غضبی را به این ید داده بود و در نتیجه این خسارت به بار آمد ولی حق ندارد به یدی متاخره که مال در دست او تلف نشده مراجعه نماید. مسؤلیت که بر اثر غضب به وجود می آید هم شامل عین است، هم شامل منفعت، و حتی شامل منافع غیر مستوفات نیز می شود. یعنی مالک اصلی می تواند هم عین مال غضبی را استرداد نماید هم منافع آن را و هم منافع غیر مستوفات آن را مطالبه نماید.

خلاصه: یکی از مصادیق مسؤلیت مفروض، «آیادی متعاقبه ی بر غضب» است. زیرا این آیادی خسارتی را جبران می کنند که کسی دیگر آن خسارت را وارد کرده که غاصب آن خسارت را وارد کرده بود.

در باب غضب هم مسؤلیت مستقیم وجود دارد که عبارتند از: ۱ - مالک یقه خود غاصب را بگیرد ۲ - مالک یقه کسی را بگیرد که مال غضبی در دست او تلف شده است.

۲ - مسؤلیت مفروض: اما اگر مالک، یقه سایر آیادی متعاقبه ی بر غضب را بگیرد، نسبت آنان به مالک اصلی مسؤلیت مفروض می باشد.

دومین موارد از موارد مسؤلیت مفروض عبارتست از: «مسؤلیت کارفرما نسبت به اعمال کارگران و کارکنان»:

این مطلب در ماده ۱۲ قانون مسؤلیت مدنی مطرح شده است: این ماده می گوید:

«کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسؤل جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار، یا به مناسبت آن، وارد شده است. مگر اینکه محرز شود تمام احتیاطهای که

^۱ . آیا فقط حق مراجعه به ید قبل از خود را دارد یا حق مراجعه به هر یک از آیادی قبل از خود را دارد.؟؟؟؟

اوضاع و احوال قضیه ایجاب می‌نموده، به عمل آورده، یا اینکه اگر احتیاط‌های مزبور را به عمل نمی‌آوردند، باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی‌بود.»؟؟؟؟ این ماده باید دیده شود.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که طبق این ماده، خسارت را کارگر یا کارمند کارفرما خسارت را ایجاد کرده اما آن خسارت را باید کارفرما جبران نماید.

مثلا مشتری قالی اش را جهت انجام شستشو به قالیشویی تحویل می‌دهد و مسؤول قالیشویی، کارگر را موظف کرده است تا آن قالی را بشوید، از قضا، کارگر برای شستشوی قالی بیش از حد معمول از مواد شوینده استفاده می‌کند و بر اثر آن قالی معیوب می‌شود، در این فرض ضرر را کارگر وارد کرده است، اما خسارت را باید صاحب قالیشویی جبران نماید. بنابراین مسؤولیت کارفرما نسبت به خسارات که کارگر و کارمندان او ایجاد نموده است از نوع مسؤولیت مفروض است آن مسؤولیت مفروضی که ناشی از فعل غیر است.

نکته: قانون ۱۲ مسؤولیت مدنی، از یک طرف عام است - زیرا عبارت «کارفرمایان» در آن به کار رفته است. و «کارفرمایان» فی حدنفسه عام می‌باشد و در نتیجه همه کارفرمایان را در بر می‌گیرد - و از طرف دیگر این عام، دارای مخصّص متصل می‌باشد. زیرا به دنبال عبارت «کارفرما»، این جمله آمده است: «که مشمول قانون کار هستند» بنابراین ماده ۱۲ مسؤولیت مدنی، همه کارفرمایان را مسؤولیت جبران خسارت های که کارگران یا کارکنانش وارد ساخته است ندانسته، بلکه مسؤولیت جبران خسارتی را که کارگران و کارکنان وارد ساخته است متوجه آن دسته از کارفرمایانی نموده است که مشمول قانون کار باشند.

اما ماده ۱ قانون کار، تمام کارفرمایان را مشمول قانون ۱۲ مسؤولیت مدنی دانسته است. اما ماده ۱۸۸ قانون کار به نحو مخصّص منفصل، بعضی از کارفرمایان را استثناء کرده است که عبارتند از:

- ۱ - کسانی که بر اساس قانون استخدام کشوری، مستخدم دولت هستند.
- ۲ - کارگاه‌های خانوادگی؛ مثل اینکه یک خانواده کارگاه قالیبافی راه انداخته باشد. بنابراین اگر فرزند این خانواده به قالی خسارت وارد نماید، صاحب قالی حق مطالبه خسارت را از پدر خانواده ندارد. زیرا کارگاه های خانوادگی مشمول قانون کار نمی‌باشد.

س: چرا کارفرما باید خسارت کارگر یا کارکنان را جبران نماید؟

پاسخ: (۱) کارفرما مکلف بوده است که بر کارهای کارگران و کارکنانش نظارت نماید، آنها را نسبت به کارشان آموزش بدهد و جهات ایمنی را رعایت نماید، بنابراین اگر این کارها را انجام نداده باشد، مسؤول می‌باشد.

(۲) اگر ابتداءً کارگر یا کارکنان را مسؤول جبران خسارت بدانیم، امکان دارد که خسارات متضرر، بدون جبران بماند، زیرا آنها کارگرند و بضاعت لازم برای جبران خسارات بزرگ را ندارند. بنابراین خسارات در ابتدا متوجه کارفرما

می باشد منتها کارفرما بعد از آنکه این خسارت را جبران نمود، به کارگر رجوع می کند. یعنی اگر عامل خسارت کارگر باشد، خسارات را از کارگر اخذ می کند.

در ادامه ماده ۱۲ مسؤولیت مدنی گفته : کارفرما می تواند به وارد کننده خسارت در صورت که مطابق قانون مسؤول شناخته شود مراجعه نماید.

یعنی کارفرما خسارت متضرر را داده و سپس می آید این خسارت را از کارگرش مطالبه می کند.

نکته: مسؤولیت کارفرما از باب مسؤولیت مفروض فرضی است. نه از باب مسؤولیت مفروض نوعی.

نکته: مسؤولیت مفروض دو نوع است:

۱ - مسؤولیت مفروض نوعی: در مسؤولیت مفروض نوعی، شخص مسؤول، الا و لابد باید خسارت را جبران نماید، هرچند که او اثبات نماید که در ایجاد خسارت بی تقصیر بوده است. یعنی او باید الا و لابد خسارت را جبران نماید. هرچند که در ایجاد آن خسارت تقصیری نداشته باشد. به همین دلیل است که در مسؤولیت مفروض نوعی، اثبات بی تقصیری شخص مسؤول، بی فایده می باشد. زیرا او باید به هر حال ضرر را جبران نماید. چه در ایجاد آن ضرر تقصیر داشته باشد یا تقصیر نداشته باشد.

مانند: بیمه های اتومبیل: وقتی مالک اتومبیل، اتومبیلش را بیمه کرد، هرچند که شخص دیگر با آن اتومبیل تصادف نماید، خسارت این حادث را باید مالک اتومبیل جبران نماید. هرچند که خود مالک اتومبیل این حادثه را ایجاد نکرده است. و اساسا در مسؤولیت مفروض نوعی کاری نداریم که شخص مسؤول جبران خسارت، در ایجاد حادثه نقشی داشته است یا خیر.

۲ - مسؤولیت مفروض فرضی: یعنی اثبات تقصیر، برای شخص مسؤول، مؤثر می باشد. به این معنی که قانونگذار فعلا این شخص را مسؤول جبران خسارت فرض کرده است و اگر او مدعی است که مسؤول نیست باید بی تقصیری خود را اثبات نماید. مانند: مسؤولیت کارفرما نسبت به خسارات که کارگرش وارد نموده است. در این مثال، در عین حالی که قانونگذار ابتداءً کارفرما را مسؤول فرض کرده است و او را مسؤول جبران خسارت معرفی نموده است. اما اثبات تقصیر یا بی تقصیری در اینکه آیا کارگر مسؤول است یا کارفرما نقش آفرین می باشد. به این معنی که قانون ابتداءً کارفرما را مسؤول جبران خسارت معرفی کرده است اما اگر بعدا اثبات شود که این خسارت بر اثر تقصیر کارگر به وجود آورده است آنگاه کارفرما می تواند خسارتی را که به متضرر پرداخت نموده است از کارگرش اخذ نماید.

مقاطععه کاری: بر اثر مقاطعه کای، ید قبلی، از عنوان کارفرما قطع می شود. به عبارت دیگر مقاطعه کاری باعث قطع رابطه ی میان کارگران و کارفرمای اصلی و ایجاد رابطه میان کارگران با کارفرمای جدید می شود.

مثلا شخصی تصمیم می گیرد که خانه بسازد، (تا اینجا صاحب زمین کارفرماست) سپس او با معمار قرارداد می بندد که زمینش را بسازد، صاحب زمین با انعقاد این قرار داد دیگر کارفرما شناخته نمی شود، بلکه بعد از این قرارداد، معمار، کارفرما تلقی می گردد. و بعد از این قرار داد اگر کارگری خسارتی وارد نماید، معمار مسؤول جبران آن خسارت خواهد بود.

و چنانچه معمار، بر اثر قرار داد، لوله کشی ساختمان را به یک نفر دیگر واگذار نماید. و کارگری در حین لوله کشی، خسارتی را وارد نماید، در این فرض آن کسی که بر اثر این قرارداد انجام لوله کشی را بر عهده گرفته است کارفرما شناخته می شود و لذا او باید این خسارت را جبران نماید. و دیگر معمار و نیز مالک ساختمان کارفرما شناخته نمی شوند و در نتیجه معمار و نیز صاحب ساختمان مسؤول جبران این خسارت نمی باشد.

طراحی و تنظیم:

مدیریت سایت پایگاه اطلاع رسانی گروه فقه و حقوق قضایی